

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نکاتی از سخن‌رانی پنج‌شنبه، ۲۰ فروردین ۱۳۹۴

آیه مورد بحث

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (۱) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ (۲) إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

خلقت حضرت فاطمه سلام الله علیها و تداوم رسالت

مفسرین در شأن نزول این سوره‌ی مبارکه نوشته‌اند: هنگامی که مقام رسالت در مکه تشریف داشتند، در خارج مسجد الحرام به شخصی به نام عاص که از غیر مسلمین بود برخورد کردند. آن مرد پس از مقداری صحبت با آن بزرگوار، وارد مسجد الحرام شد و به جمع عده‌ای از بزرگان مشرکین پیوست و به آن‌ها گفت که مشغول صحبت با آن ابتر بوده است. معنی لغوی عام کلمه‌ی ابتر یعنی چیزی که آخرش بریده شده و ناقص شده است. معنی این کلمه در عرف خاص و از باب کنایه یعنی کسی که فرزند پسر ندارد.

حق تعالی به آن بزرگوار در زمان حیات فرزند پسر داد، اما جبرئیل نازل شد و از جانب خدای متعال حضرت را مخیر کرد که بین جناب ابراهیم سلام الله علیه و ابی‌عبدالله صلوات الله علیه یکی را انتخاب کنند. حضرت تأملی کردند و فرمودند که من حاضرم ابراهیم را از دست بدهم، زیرا رابطه‌ی من با حسین صلوات الله علیه رابطه‌ی خاصی است و اگر او از دست برود من و پدرش و مادرش هر سه غمگین می‌شویم. ولی اگر ابراهیم از دست من برود آن‌ها به این اندازه غمگین نمی‌شوند.

مشهور می‌گویند که دو سال بعد از بعثت، خدای متعال حضرت فاطمه سلام الله علیها را به مقام رسالت عطا کرد. من مکرراً مقدمات تکوّن و وارد شدن نطفه‌ی مقدسه‌ی حضرت فاطمه سلام الله علیها را به بدن مادر بزرگوارش مطالعه کرده‌ام. شکی نیست که خدای متعال بهترین خلق خود را برای ارشاد و راهنمایی و هدایت بندگان خود انتخاب کرده است و مقام رسالت اول مخلوق شریف در ممکنات است. اما اگر ما بخواهیم فرهنگ و اخلاقی را در جامعه پیاده کنیم و گسترش بدهیم، چه راهی را انتخاب می‌کنیم که بیشترین اثر را داشته باشد؟

بهترین راه برای القاء فرهنگ به دیگران

یک راه برای آموختن مطلب به دیگری، راه کتبی و نوشتن برای او است. راه دیگر، راهنمایی با بیان و استفاده از زبان است. هر کدام از این دو راه اثر مخصوص به خود را دارد که ممکن است کامل نباشد. راه سوم برای القاء یک فرهنگ و اخلاق به دیگران، همراه با فراهم کردن مقدمات است. مثلاً مجلسی تشکیل می‌دهیم و در آن مجلس وجود عینی حقیقتی را که قصد القاء آن را داریم فراهم می‌کنیم. اهل فن اصطلاحاً چهار نوع وجود را ذکر کرده‌اند: وجود ذهنی، لفظی، کتبی و خارجی، که وجود خارجی به معنی خارج از وجود خود انسان است. یعنی یک حقیقت در وجودی که خارج از سازنده‌ی خود است پیاده می‌شود.

از لحاظ تأثیر در روح افراد، اثر وجود خارجی از سه نوع دیگر، بسیار بیشتر است. خدای متعال جلّ شأنه اراده فرموده است که هدایت انسان‌ها را در گام اول به عهده‌ی اول شخصیت عالم امکان یعنی مقام مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله بگذارد. اما جسم آن وجود مقدس از ممکنات است و طعمه‌ی مرگ واقع می‌شود، "کل نفس ذائقة الموت". برای مراحل و زمان‌های بعد از صدر اسلام و نیاز سائر مردم به راهنما، حق تعالی اراده فرموده است که بعد از زمان حیات ظاهری آن رسول بزرگوار، کسانی باشند که تا هنگامی که شرایط زمان اجازه می‌دهد، آن اعتقادات و فرهنگ و اخلاق را محافظت کنند تا از بین نرود. خدای متعال ائمه‌ی طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین را یکی پس از دیگری خلق کرد تا با عملکرد خود، مردم را با اخلاق اسلامی و فرهنگ اسلامی آشنا نگاه دارند.

درس موسی بن جعفر صلوات الله علیه از درون زندان به شیعیان

آن بزرگواران در هر مقطع زمانی به تناسب آن زمان، به وظیفه عمل می‌کردند. کنترل و اعمال محدودیت از طرف حکام وقت، برای این بزرگواران به منظور ممانعت از انجام وظیفه توسط ایشان، در زمان موسی بن جعفر صلوات الله علیه بسیار شدید شد. آخرین زندانی که آن حضرت را در آن انداختند، زندان سندی بن شاهک بود. عمق این زندان و پیچ و خم آن به حدی بود که نور به پایین آن نمی‌رسید. سندی بن شاهک بدترین زندانبان‌ها بود که حداکثر ایذاء و اذیت را به آن بزرگوار می‌رساند. موسی بن جعفر صلوات الله علیه آثاری دارد که همه‌ی آن‌ها مسئله شرعی نیست و در کتاب‌ها ثبت شده است. هارون الرشید به ایشان نامه‌ای محترمانه می‌نویسد و حضرت را پسر عمو خطاب می‌کند و اظهار می‌کند که من می‌خواهم شما را آزاد کنم، اما چون قسم خورده‌ام که بدون مجوز آزاد نکنم شما کتباً از من عذرخواهی کنید. موسی بن جعفر صلوات الله علیه به او می‌نویسد که از عمر من چیزی باقی نمانده و آزادی من نزدیک است؛ من هم خلافتی مرتکب نشده‌ام که نسبت به آن خلاف معذرت خواهی کنم.

پاسخ کتبی آن بزرگوار به هارون الرشید خود یک کلاس انسان‌سازی است. انسانی که سالم و صالح است و گنهگار و زشت‌کار نیست، معنی ندارد که دروغ بگوید حتی اگر به قیمت در زندان ماندن باشد. روایت داریم که "الدنيا سجن المؤمن". اگر کسی خود را مؤمن می‌داند چون خلاف و گناهی مرتکب نشده است، این وضعیت را تحمل می‌کند و دروغ نمی‌گوید. هر کس این پاسخ را نگاه می‌کند درمی‌یابد که ایشان در ضمن این‌که جواب نامه را با رعایت آداب داده است، این درس را هم به شیعیان خود داده است که انسان صالح و سالمی که آلوده نیست و طهارت دارد، حق ندارد برای آزاد شدن از زندان دروغ بگوید یا دروغ بنویسد.

شفاعتِ شفاعت‌کنندگان تنها با اذن خدای متعال

در یکی از برنامه‌های رادیو معارف که بسیار باارزش است، مطرح می‌شد که دلیل بر این که برنامه‌های سازنده ادامه پیدا نمی‌کند این است که خود انسان‌ها برنامه را ادامه نمی‌دهند و آن برنامه دوام پیدا نمی‌کند. ماه مبارک رمضان یک کلاس الهی است. در شب‌های قدر منابر متعددی توسط بزرگان در مساجد برگزار می‌شود که شنونده‌های زیادی دارد. اما پس از پایان برنامه‌های این ماه درصد کمی از افراد تصمیم می‌گیرند که این گفتارهای الهی و مواعظی را که شنیدند مرتب به کار بگیرند و مانند قبل از ماه رمضان نباشند.

به همین ترتیب مردم در عاشورا دوازده روز عزاداری می‌کنند و مواعظ موعظه‌کننده‌ها را گوش می‌کنند. عقل همه هم به خوبی این مطالب را می‌پذیرد. یعنی فطرتشان خوب و قابل تربیت است. شاید در این شهر ده نفر با روحیه‌ای مانند شمر هم وجود نداشته باشد. اما چرا این تاثیرات موقت است و شنونده‌ها دوباره به وضعیت قبلی خود برمی‌گردند؟ نکته‌ای که در آن برنامه رادیویی به آن اشاره نشد این بود که کسانی که تبلیغ می‌کنند بایستی یکی از ارکان تبلیغ را تداوم موعظه‌های گوینده‌ها قرار بدهند. شنونده‌ها نباید گمان کنند که با آمرزیده شدن گناه گذشته به وسیله‌ی گریه بر اولیاء خدا و مصیبت‌های آن‌ها دوباره تا محرم یا ماه مبارک رمضان بعدی آزاد هستند. انسان باید احتمال بدهد که شاید به ماه محرم بعدی نرسید. گناهان جدیدی که این فرد مرتکب شده است، به چه سبب و وسیله‌ای باید آمرزیده شود؟

مرحوم آیت الله خوئی در کتاب البیان که مقدمه‌ی تفسیری بود که ایشان نیت کرده بود بنویسد، ولی اجل مهلتش نداد می‌نویسد: در قیامت خدای متعال شفاعت را در مورد هر کسی که بخواهد می‌پذیرد، ولی قول قطعی برای این پذیرش نداده است. "و لا یشفعون الا لمن ارتضى". ائمه‌ی طاهرين صلوات الله عليهم اجمعین که شفاعت هستند، با توجه به اراده‌ی حق تعالی و اجازه‌ای که از خدای متعال در مورد این شفاعت می‌گیرند، از آن شخص شفاعت می‌کنند. بعد از جهان مادیت، دو دستگاه مستقل در جهان هستی وجود ندارد که هر کدام برای خود کار کند. بزرگان و آبرومندان درگاه حق تعالی مستقل از اراده خدای متعال عمل نمی‌کنند. این نظر مرحوم آیت الله خوئی درست است.

مقدمات تولد حضرت فاطمه سلام الله علیها

اراده‌ی خدای متعال برای این که حداکثر تأثیر تبلیغ رسول بزرگوارش در دل‌های بندگانش تحقق پیدا کند این‌گونه تعلق گرفته است که باید دوازده خلیفه و جانشین بعد از این بزرگوار در بین مردم حضور پیدا کنند. یازده جانشین تاکنون آمده‌اند و جانشین دوازدهم صلوات الله علیه هم با اجازه حق تعالی ظهور خواهد کرد. نوع برخورد این بزرگان با مردم اعم از خوب و بد و اخلاق ایشان هیچ شباهتی به برخورد سائر مردم غیر معصوم ندارد. با مطالعه شرح حال هر یک از ائمه صلوات الله علیهم متوجه می‌شویم که در جامعه‌ی ما چنین انسان‌هایی وجود ندارند و چنین قوانینی اجرا نمی‌شود.

این دنیا دار مادیات و اسبابش اسباب مادی است. برای این که بهترین‌ها به وجود بیایند و خدای متعال ایشان را به مردم عطا کند، حق تعالی در انتخاب پدر و مادر برای این بزرگواران ضوابط خاصی را اجرا می‌کند. خدای متعال ایشان را مثل جد اعلایشان حضرت آدم سلام الله علیه با گل درست نمی‌کند، بلکه با پدر و مادر درست می‌کند. لذا این ضوابط، بسیار خاص و جالب توجه است. خدای متعال قبل از تکون نطفه‌ی حضرت زهرا سلام الله علیها به وسیله‌ی جبرئیل امین برای رسول بزرگوارش پیغام می‌دهد.

می‌نویسند که آن حضرت فرمودند: جبرئیل در بزرگترین صورت ممکن در بین شرق زمین و غرب زمین به من نازل شد. یعنی آن عظمت واقعی این فرشته‌ی مقرب درگاه حق تعالی برای رسول بزرگوار ظاهر شد. البته با تواضع و کوچکی سلام کرد و سلام حق تعالی را رساند و به ایشان عرض کرد که پس از به جا آوردن نماز عشا به منزل خود بروید و به منزل جناب فاطمه‌ی بنت اسد مادر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه وارد شوید. تا چهل شب از این منزل بیرون نروید و روزها را روزه بگیرید و شب‌ها هم تا به صبح عبادت کنید. این دستور مخصوص مقام رسالت است. او که اول شخصیت بندگان حق تعالی است، باید این برنامه را چهل روز اجرا کند. حضرت برای خبر دادن به همسر گرامی خود شخصی را فرستادند که پیغام دهد که من ناراحتی از شما پیدا نکرده‌ام و این برنامه تکلیف الهی است، اما خود مراجعه نکردند.

حضرت هر شب برنامه عبادی خود را داشتند، ولی یک برنامه اضافی برای این چهل شب به ایشان داده شد. نماز شب خواندن حضرت مانند روش متداول نبود. ایشان دو رکعت نماز می‌خواندند، سپس یک ربع می‌خوابیدند، دوباره خود را از خواب بلند می‌کردند و وضو می‌گرفتند و دو رکعت دیگر نماز می‌خواندند. یعنی به مقداری که خدای متعال به ایشان اجازه داده بود، به این بدن زجر می‌دادند. واقعه‌ای که در دستگاه خلقت حق تعالی رخ خواهد داد در اهمیت آن قدر بزرگ است که برای مقدمات حدوث آن باید اول شخصیت عالم امکان یعنی مقام رسالت چهل شب منزل را ترک کند و مقدار عبادت خود را افزایش دهد و چهل روز روزه‌های مستحب را متصل کند. جبرئیل به حضرت عرض کرد که خدای متعال می‌خواهد عطا و موهبتی بسیار بزرگ به شما عنایت کند.

حضرت طبق دستور حق تعالی عمل کردند. هر شب هنگام افطار به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه دستور می‌دادند که درب خانه را باز کن تا هر کسی که می‌خواهد بیاید و با من افطار کند. اما شب چهلم آن بزرگوار به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمودند که امشب درب منزل بنشین و اجازه نده کسی وارد شود. پس از به جا آوردن نماز واجب، جبرئیل پیغام آورد که افطار امشب را ما می‌آوریم. پس از خوردن آن بدون انجام هیچ کار دیگری، حتی خواندن نماز، به منزل می‌روی. افطار آن شب، خرما، انگور و آب کوثر بود. ما در نمازهای خود از طرف خدای متعال مأموریم که در تشهد بگوییم: "اشهد ان محمداً صلی‌الله‌علیه‌وآله‌عبد و رسوله"، یعنی اول مقام عبودیت را ذکر می‌کنیم.

تمام این چهل شب و روز عبادت و روزه و قیام شب تا صبح برای این بود که آن روحی که خدای متعال خلق کرده که اول روح در کمال و لطافت است، از آن هم لطیف‌تر شود. برای تکون نطفه‌ی آن بزرگوار این مقدمات باید به انجام برسد. زیرا آن ائمه‌ای که می‌خواهند برای ما مربی شوند و به ما فرهنگ الهی را تزریق کنند باید از چنین مادری باشند. خانمی که سیده‌النساء العالمین است.

مصحف فاطمه سلام الله علیها

از نکاتی که بین علماء شیعه اثبات شده، این است که بعد از رحلت، جبرئیل امین سلام الله علیه خدمت این خانم مشرف می‌شد و مطالبی را به این خانم عرض می‌کرد. امیرالمؤمنین صلوات الله علیه جبرئیل را نمی‌دیدند، ولی صدایش را می‌شنیدند. این خانم مطالب را دیکته می‌کرد و امیرالمؤمنین صلوات الله علیه آن را می‌نوشت. این نوشته‌ها را مصحف حضرت فاطمه سلام الله علیها می‌نامند.

از ائمه صلوات الله علیهم روایاتی داریم که فرموده‌اند ما برای پاسخ به سؤالات مردم به مصحف مادرمان سلام الله علیها مراجعه می‌کنیم. اگر ائمه صلوات الله علیهم این تعبیرات را نسبت به مادر بزرگوارشان نکرده بودند، هیچ کس بلد نبود چنین تعبیراتی را مطرح کند. ما می‌گوییم سیده النساء العالمین، زیرا ایشان فرموده‌اند: سیده النساء العالمین. در روایت آمده است که پس از تگون نطفه‌ی این خانم و رسیدن سن ایشان به نه سال، هنگام عبادت ایشان، خدای متعال با اشاره به این عبادت به فرشتگانش مباحثات می‌کند. یعنی من به این مخلوق خود می‌نازم.

روایت شده است که یک نابینای فقیر، برای عرض حاجت خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده بود پس از ورود آن مرد، فوراً این خانم بزرگوار پوشش خود را به سر کرد. پدر بزرگوار ایشان فرمودند که فاطمه جان این مرد نابینا است، به چه دلیل روی خود را پوشانده‌ای؟ حضرت جواب دادند که پدر جان، من که نابینا نیستم و چشم دارم. در نشستی رسول اکرم صلی الله علیه و آله از اصحاب سؤال کردند: بهترین صفت برای زن چیست؟ هر یک جوابی دادند. سپس حضرت فرمودند: این سؤال را از دخترم بپرسید. ایشان جواب دادند بهترین چیز برای زن در تمام عمر او این است که نه او مرد اجنبی را ببیند و نه مرد اجنبی او را ببیند. هنگامی که این جواب را به نقل از آن خانم در آن نشست بازگو کردند، پدر بزرگوار ایشان چند بار فرمودند که پدرش فدای او شود.

در بحار آمده است: زمانی را که ایشان می‌خواهند به صحرای قیامت تشریف بیاورند، به انبیاء که قبل از ایشان آمده‌اند خطاب می‌شود: "غضوا ابصارکم". چشم‌هایتان را ببندید، زیرا دختر رسول خدا سلام الله علیها می‌خواهند وارد شوند. انبیاء در حالی که سرهایشان پایین است، راه باز می‌کنند. امکان ندارد که غیر از خدایی که این خانم را خلق کرده است و غیر از پدر و شوهر ایشان مقام این خانم را بفهمند.

کسب فرهنگ تشیع، راه نجات از عذاب در برزخ

گاهی از اوقات بعضی از افراد به دلیل نادانی، در این شرائط فعلی، خطاب به کسانی که این خانم را اذیت کردند و به شهادت رساندند، حرف‌های زشت به زبان می‌آورند. امام خمینی رضوان الله تعالی علیه فرمود: شأن مؤمن این نیست که از دهان او حرف زشت خارج شود. مؤمن حتی به شمر نباید حرف زشت بزند. در فرمایشات نقل شده از معصومین صلوات الله علیهم اجمعین دیده نشده است که حتی یک حرف زشت از دهان مبارک ایشان نسبت به اشخاصی که پست‌ترین افراد روی زمین بودند، زده شده باشد. روز عاشورا ابی‌عبدالله صلوات الله علیه فرمود: "الا انّ الدعی ابن الدعی"، آگاه باشید این پست‌پسر پست، من را بین انتخاب یکی از دو کار مخیر کرده است. این کلام، حداکثر بدگویی آن حضرت بود. این فرهنگ اولیاء خدا است.

تا هنگامی که فرزندان ما این فرهنگ را پیدا نکنند تشیع، آن‌ها را از عذاب‌های برزخی نجات نمی‌دهد. حضرت صادق صلوات الله علیه فرمود ما در قیامت از شما شفاعت می‌کنیم، اما برزختان با خودتان است. چه کسی می‌تواند ادعا کند که تحمل عذاب‌های برزخ را دارد؟ احتمال این هست که روزگار ما که روزگار خاصی است آخرالزمان یا نزدیک به آخرالزمان باشد. چون بعضی از علائم آخرالزمان وجود پیدا کرده است. طبق روایات یکی از علائم این است که زن‌های آخرالزمان سوار بر زین می‌شوند. ما نمی‌دانیم شاید منظور از زین، زین اسب یا زین موتور سیکلت یا زین دوچرخه باشد. علامت دیگر این است که مردها در منزل می‌نشینند و بچه‌داری می‌کنند و زن‌ها برای تامین هزینه‌ی زندگی کار می‌کنند. در مورد نشانه‌های آخرالزمان از علما سؤال کنید و روی آن فکر کنید. اگر این زمان نزدیک شده است، احتیاطاً دنبال این جمعیت راه نیافتید و برای خود راه مستقلی بیابید.